

روز جهانی زن و مبارزه زنان افغانستان برای به دست آوردن پایه‌ی ترین حقوق انسانی شان

در متن تقابل و تعارض منافع استراتژیک و اقتصادی قدرت‌های سرمایه‌داری و شکل‌گیری بلوک‌های متخاصم در عرصه جهانی، به ویژه در پیشگاه منافع استراتژیک و دکترین جدید امپریالیسم امریکا مردم محروم و تُهی‌دست افغانستان به‌خصوص زنان و کارگران بار دیگر چنان به تباهی و عقب‌گرد تاریخی کشیده شده و قربانی گردیدند که تصور یک چنین رویداد مهلکی برای دست‌اندرکاران نهاد قدرت، نیروهای دخیل در مناسبات حاکم و حتی برخی فعالان سیاسی و جامعه مدنی که به دموکراسی، بازار و "جامعه جهانی" (قدرت‌ها و نهادهای سرمایه‌داری) دل‌بسته بودند ناممکن و هولناک می‌نمود. دوسال و شش ماه است که سلطه "امارت اسلامی سرمایه" و بربریت دهشتناک قرون وسطایی شان بر همه مردم فرودست افغانستان، خاصاً زنان، تحمیل شده است، در این مدت زنان با سبعیت و شقاوت تمام از مشارکت اجتماعی ممنوع شده و گام به گام از همه حقوق طبیعی و جهان‌شمول انسانی شان محروم گشته‌اند؛ در این دو و اندی سال زنان نه تنها از کار و تحصیل و مشارکت اجتماعی باز داشته شده و انواع خشونت، تهدید، زندان و بگیر و ببند را متحمل شده‌اند، بلکه از شادی و تفریح و رفتن به پارک‌ها، طبیعت و تفرج‌گاه‌ها نیز منع شده‌اند. برخی از آن‌ها از سر فقر و فلاکت مضاعف از یک جانب و ناامیدی و یأس از آینده تار و وحشتناکی که فرا روی شان قرار دارد از جانب دیگر، دست به خودکشی زده و یا هم به دلیل تمکین نکردن و نپذیرفتن هنجارها و سنت‌های عقب‌مانده و ضدزن، توسط ایادی جهالت و تعصب کور و حتی بسته‌گان شان به شکل فجیع و وحشیانه‌ی به قتل رسیده‌اند. همپا با تحمیل تمام عیار اپارتاید جنسی اسلامی بر زنان، فقر و بی‌نوبی و هیولای جهل و استبداد دمار از روزگار همه محرومان و تُهی‌دستان به ویژه زنان و نسل جوان کشیده است.

مسئول بربریت و مصیبت جاری در افغانستان، ستمگری، تبعیض و نابرابری در جهان و جنگ و جنایتی که امروزه بر مردم بی‌دفاع فلسطین توسط دولت و ارتش فاشیستی اسرائیل روا داشته می‌شود، دولت‌های حاکم بورژوازی و مناسبات و نظام سرمایه‌داری جهانی است. ریشه و اساس همه این فجایع هولناک از جنگ و ملتاریسم تا تروریسم، فقر و ادبار گسترده در سطح جهان و تخریب محیط زیست همه و همه در مناسباتی نهفته است که اساس اش بر استثمار و کارمزدی استوار است. مردسالاری، ستم‌کنشی زن و اپارتاید جنسیتی در جوامع عصر حاضر از آن میان افغانستان و ایران و... با آنکه میراث تاریخی است که از گذشته‌های دور تا امروز و در اشکال و فرم‌های گوناگون حیاتش ادامه داشته است؛ اما امروز این مناسبات سرمایه‌داری است که آن را در خدمت منافع خودش تولید و بازتولید نموده و صیقل می‌دهد. آنچه که در امارت اسلامی سرمایه در افغانستان و همین‌گونه سایر کشورهای منطقه از جمله در جمهوری اسلامی ایران بر زنان می‌گذرد، مصداق عینی و گواه واقعی این حقیقت است.

رفتن به پیشواز روز جهانی زن و بزرگداشت از آن امسال چون سال‌ها پار از این رهگذر قابل توجه و با اهمیت است که تنها و یگانه نیرویی که از همان ابتدای بازگشت گروه تروریستی طالبان به مسند قدرت و برپایی امارت اسلامی سرمایه علیه کلیت آن به پا خاست و خواست‌ها و مطالبات اکثریت مردم محروم و فرودست را نمایندگی کرد و در اعتراض به قدرت حاکمه جدید به جاده‌ها ریختند فعالان نستوه جنبش زنان بود؛ جنبشی که جلو چشم رسانه‌های جهانی و نهادهای بین‌المللی "مدافع" حقوق زن به شکل ددمنشانه‌ی از جانب حاکمیت ساخته و پرداخته شده قدرت امپریالیستی امریکا و متحدان جهانی و منطقه‌ی اش سرکوب گردید.

با وجود تحمیل اپارتاید جنسی، سرکوب‌خشن و خونین و محرومیت اجتماعی زنان افغانستان توسط حاکمیت اسلامی سرمایه؛ مبارزه و تلاش قابل تحسین فعالان و کنشگران زن در اشکال و فرم‌های متفاوت با فرود و فرازهایی همچنان ادامه دارد. جنبش اعتراضی زنان که از همان فردای جلوس دوباره طالبان به قدرت سیاسی و برپایی امارت اسلامی با طرح مطالبه "نان، کار، آزادی" در رأس اعتراض عمومی جامعه قرار گرفت و پرچم مطالبات برحق و برابری طلبانه همه احاد اجتماع اعم از زنان، کارگران و مردم محروم را به دوش کشید؛ اما متأسفانه این حرکت اعتراضی در امتداد مبارزه سخت و نفس‌گیرش از هدف روشن و رادیکال‌نخستین که در شعار "نان، کار، آزادی" تبلور منطقی یافته بود، دور شد و اسیر اوهام و روایات جنبش‌ها و نیروهای گشت که خود یک پای ثابت بربریت جاری و مجری و عامل این تراژیدی قرن بودند / هستند.

زنان در همه جوامع سرمایه‌داری که بنیاد آن بر نابرابری و کارمزدی استوار است همزمان از دو ستم جنسی و طبقاتی رنج می‌برند. در افغانستان اما، این نظام طبقاتی در هیأت «امارت اسلامی» و با اتکا و حمایت آشکار و نهان دولت‌ها و نهادهای بورژوازی در سطح بین‌المللی است که این ستم مضاعف را با تکیه به اعتقادات دینی، سنت‌ها و شعار فرسوده

و بازمانده از دوران توحش بشر بر زنان تحمیل می‌کند. بنابراین رفع و دفع این نابرابری و ستم بر زنان، زمانی می‌تواند تحقق یابد که مناسبات مبتنی بر ستم و ایدئولوژی و هنجارهای مشروعیت دهنده آن به زیر کشیده شوند. از این رو جنبش زنان در جامعه افغانستان نمی‌تواند با اتکا به قدرت‌ها، مجامع و طومار نویسی و توهم نسبت به آن‌ها به آزادی، برابری و رفع اپارتاید جنسیتی دست یابد؛ چون مواجهه با واقعیت عینی‌یی که همین دو سال پیش، جلو چشم‌های ناباور شان اتفاق افتاد، هزاران بار گویاتر از هر تئوری و نظریه‌پردازی بی، پوچی توهم و توسل به نهادها و دولت‌های سرمایه‌داری را به اثبات رسانید. از نظر ما سوسیالیست‌ها مطالبه «نان، کار، آزادی» عمیقاً به سرنوشت همه جامعه، به‌خصوص زنان، که اکثریت شان اعضای طبقات و اقشار فرودست و محروم جامعه هستند، عجین است. از این رو بهبود واقعی و جدی در وضعیت زنان و رفع و دفع اپارتاید و تبعیض سیستماتیک جنسی امارت اسلامی سرمایه که اساس آن بر شریعت ناب محمدی بنا یافته است، زمانی محقق می‌شود که صریح و با وضاحت تام و کمال این مبانی اعتقادی، بنیادهای مادی-زمینی و مجریان و حامیان جهانی حاکمیت به عنوان بانیان و عاملان بربریت حاکم جاری مورد نقد و افشاگری قرار گیرند.

بنابراین از نظر سازمان سوسیالیست‌های کارگری افغانستان استراتژی معقول و کارا در شرایط و وضعیت هولناک و اسفبار کنونی که بتواند کارگران، فرودستان و محرومان جامعه اعم از زن و مرد و جنبش‌های برابری طلب از جمله جنبش‌هایی از تبعیض و اپارتاید جنسی زنان و فعالان و کنشگران چپ و سوسیالیست جامعه را در محور آن علیه امارت اسلامی سرمایه و حامیان جهانی و منطقی آن متشکل و بسیج ساخت، چیزی نیست جز شعار یا مطالبه «نان، کار، آزادی». این شعار و مطالبه در بر گیرنده مطالبات و خواست‌های محوری اکثریت مردم محروم و تهمی دست جامعه از آن میان زنان است، از این جهت امکان و توان بسیج گسترده نیروهای اجتماعی را که غم نان، دغدغه برابری و آرزوی آزادی را در سر دارند، می‌تواند میسر گرداند. این سه خواست اسباب و عامل حمایت میلیون‌ها انسان و شکل یافتن یک قطب نیرومند رادیکال در تعارض و تقابل با «امارت اسلامی» سرمایه و بخشی از بورژوازی رانده شده از قدرت و حامیان آن‌ها را که همچنان بر طبل نفرت و تعارض قومی و تباری می‌کوبند فراهم می‌آورد.

رفقا، زنان و مردان آزادی خواه!

سازمان سوسیالیست‌های کارگری برای آزادی، برابری و رهایی از بربریت سرمایه و زدودن هر قید و بند و علیه کلیت آن مناسباتی می‌رزمد که اساس اش بر تبعیض، ستم و استثمار بنا یافته است. یکی از این تبعیض‌ها و ستم تاریخی، ستم، تبعیض و اعمال اپارتاید جنسیتی نسبت به زنان است که امروزه نظام جهانی سرمایه آن را در هیأت امارت اسلامی بر زنان افغانستان تحمیل کرده است. ما بدون اما و اگر برای برابری زن و مرد در کلیه شئون اجتماعی مبارزه می‌کنیم. از این جهت از همه فعالان جنبش زنان، کارگران، مبارزان کمونیست و مردم برابری طلب که در هر دم و بازدم قلب شان برای برابری، خوشبختی و رهایی انسان و خلاصه نفی وضع موجود حاکم می‌تپد، می‌خواهیم که برای دست یافتن و محقق شدن آرمان رهایی و خلاصی از بدویت امارت اسلامی سرمایه همدیگر را دریابیم و برای سازمان دادن به آلترناتیو انقلابی سعی و تلاش نماییم!

گرامی باد هشتم مارچ، روز همبستگی جهانی بشریت برابری طلب!

زنده باد سوسیالیسم!

زنده باد جنبش نان، کار، آزادی!

نابود باد امارت اسلامی سرمایه!

سازمان سوسیالیست‌های کارگری افغانستان

۱۳ حوت ۱۴۰۲؛ ۳ مارچ ۲۰۲۴